

A Lexical Analysis of Karim Zamani's Translation of the Holy Quran (based on Garcés' Semantic-lexical Level Theory)

Ebrahim Fallah¹

Received: 2024/09/19 • Revised: 2025/04/06 • Accepted: 2025/09/12 • Published online: 2025/10/01



Abstract

The continuous evolutionary process and movement of Quran translation not only demonstrate the importance of translation but also represents an undeniable necessity. This growing trend—rightly referred to as “*the springtime of Quran translation*”—cannot advance without critical evaluations of previous translations, particularly through the frameworks and theories of modern linguistics. Among the most significant linguistic theories for assessing translation quality is the *translation critique model* introduced by Carmen Garcés in 1944, which was designed to evaluate the qualitative level of translations and to conduct a qualitative analysis of literary translated texts.

Considering the undeniable importance of Quran translation, the present study, drawing on Garcés' model, seeks to critique and evaluate the lexical choices made by Karim Zamani in his translation of the Quran.

1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran.

fallahabrahim@gmail.com

* Fallah, E. (2025). A Lexical analysis of Karim Zamani's translation of the Holy Quran (based on Garcés' semantic-lexical level theory). *Studies of Qur'anic Sciences*, 7(2), pp. 102-132.
<https://doi.org/10.22081/JQSS.2025.69932.1330>

Publisher: Islamic Sciences and Culture Research Institute, Qom, Iran

© 2025 "authors retain the copyright and full publishing rights"



Zamani's translation was selected because of his particular emphasis on lexical selection throughout the translation process. Although some reviews of Zamani's translation exist, no specialized and systematic study grounded in linguistics and based on Garcés' model has previously been conducted.

Garcés' model is organized into four levels—semantic-lexical, syntactic-morphological, discoursal-functional, and stylistic-pragmatic. Among these, the semantic-lexical level, which focuses specifically on the evaluation of translated vocabulary, is the focus of this study and is well suited to the nature of the selected translation. The key research question is: To what extent does Karim Zamani's translation correspond to Garcés' method at the semantic-lexical level? It should be noted that the application of the other three levels lies beyond the scope of this paper and requires separate studies due to their breadth.

Regarding Zamani's translation and the application of Garcés' model in critiquing it, no prior research has been carried out. The only related study is a non-linguistic critique by Nadali Ashuri Taluki, published in two parts in *Tarjoman-e Vahy* (Issues 19 and 20, 2015–2016). Thus, the present work constitutes the first independent study to evaluate the quality of Zamani's translation based on Garcés' model at the semantic-lexical level.

This research employs a descriptive-analytical and library-based method. Its main findings are as follows:

- 1) Carmen Garcés' proposed model at the semantic-lexical level is well-suited for critiquing Karim Zamani's translation of the Quran because the translator, during the translation process, employs strategies such as adaptation, explanation and interpretation of vocabulary, and selection of equivalents, while also engaging in lexical expansion and reduction and conveying ambiguity.
- 2) In terms of explaining and interpreting vocabulary, Zamani's translation includes numerous instances of explanatory and detailed additions. These detailed explanations are generally observable in three forms: (a) explanations related to the reasons for choosing a particular word, (b) parenthetical or interpretive notes, and (c) supplementary clarifications within the translation text itself. Therefore, Zamani's translation can be characterized as both an

explanatory and interpretive translation.

- 3) The use of multiple cultural or common equivalents is one of the notable aspects of Zamani's translation. The translator has both invented new words and employed archaic Persian terms, some of which are familiar while others are uncommon.
- 4) Lexical expansion and reduction in Zamani's translation often involve the omission of sentence elements, nominalization, the transformation of passive constructions into active ones, and verb deletion. Changes in Arabic syntactic structures are also observable at the lexical level, with structures such as the *absolute object* (*maf'ul mutlaq*) contributing to lexical expansion and reduction.
- 5) In dealing with lexical ambiguity in polysemous words, Zamani often chooses a literal translation, which preserves the source word in the target text.
- 6) Regarding the general versus the specific (or vice versa), specific Arabic terms in Zamani's translation are sometimes rendered more generally. In terms of adaptation, Zamani clarifies the meaning of the verses by selecting the closest corresponding sense in the target language.
- 7) Zamani's translation is a combination of translation and interpretation. It is a valuable and distinguished work, ranking among the top ten contemporary Persian translations of the Quran. Minor shortcomings exist, which is natural in a project of such magnitude.

Keywords

The Quran, Garces' theory, semantic-lexical level, lexical choice, Zamani

دراسة معجمية لترجمة كريم زمانى للقرآن الكريم مع التركيز على نظرية المستوى الدلالي- اللغوي لغارسييس*

إبراهيم فلاح^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٩/١٩ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٤/٠٦ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٩/١٢ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/٠١

الملخص

إن قضية تقييم جودة الترجمة في النصوص المقدسة، بما فيها القرآن الكريم والحديث الشريف، ضرورة وذات أهمية كبيرة من أجل الحفاظ عليها. من بين نماذج تقييم الجودة، يُعد نموذج غارسييس أكثر شمولاً بشكل ملحوظ من غيره من النماذج المقترحة للنقد المعجمي لترجمات القرآن الكريم. تهدف هذه الدراسة إلى تحليل وتقييم اختيارات كريم زمانى المعجمية في ترجمته للقرآن الكريم، من منظور مكونات نموذج غارسييس في المستوى الدلالي-اللغوي. ويتمحور حول الإجابة على السؤال: ما مدى توافق ترجمة كريم زمانى مع منهجية غارسييس على المستوى الدلالي-اللغوي؟ تشير أهم نتائج هذا البحث، الذي تم تحليله بأسلوب وصفي تحليلي، إلى إمكانية نقد مفردات ترجمة السيد زمانى ودراستها من منظور مكونات نظرية غارسييس. لأن

١. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة آزاد الإسلامية، فرع ساري، ساري، إيران.

fallahabrahim@gmail.com

* فلاح، إبراهيم (٢٠٢٥). دراسة معجمية لترجمة كريم زمانى للقرآن الكريم مع التركيز على نظرية المستوى الدلالي-اللغوي لغارسييس. دراسات العلوم القرآنية، ٧(٢)، صص ١٠٢-١٣٢.

<https://Doi.org/10.22081/JQSS.2025.69932.1330>

© ٢٠٢٥ « حقوق الطبع والنشر محفوظة للمؤلفين بشكل كامل »



هذه الترجمة، وهي ترجمة توضيحية - تفسيرية ومعجمية - تحتوي على حالات عديدة من إيجاد المكافئات - المتعارفة وغير المتعارفة - وكذلك التضييقات والتبسيطات النحوية، والنقل، والغموض.

الكلمات المفتاحية

القرآن الكريم، نظرية غاريسيس، المستوى الدلالي-اللغوي، الاختيارات المفرداتية، زماني.

بررسی واژگانی ترجمه کریم زمانی از قرآن کریم (با تکیه بر نظریه سطح معنایی- لغوی گارسس)



ابراهیم فلاح^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱ • تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

چکیده

ارزیابی کیفیت ترجمه در متون مقدس از جمله قرآن و حدیث جهت صیانت از آنها، ضرورت دارد و از اهمیت بالایی برخوردار است. در میان الگوهای ارزیابی کیفیت، ترجمه الگوی گارسس به طور قابل توجهی از سایر مدل‌های پیشنهادی برای نقد واژگانی ترجمه قرآن جامع‌تر است. پژوهش حاضر در نظر دارد تا انتخاب‌های واژگانی ترجمه کریم زمانی از قرآن کریم را براساس الگوی گارسس در سطح معنایی-لغوی، مورد نقد و بررسی قرار دهد. اساس این ارزیابی پاسخ به این پرسش است که میزان تطابق ترجمه کریم زمانی با روش گارسس در سطح معنایی-لغوی تا چه حد بوده است؟ مهمترین یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، بیانگر آن است که واژگان ترجمه زمانی از منظر مؤلفه‌های نظریه گارسس، قابل نقد و بررسی است، به گونه‌ای که این ترجمه هم توضیحی - و هم توضیح تفسیری و واژگانی- است و یا موارد زیادی از معادل‌سازی - معادل مرسوم و غیر مرسوم - و قبض و بسط نحوی و انتقال-ابهام را در خود دارد.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، نظریه گارسس، سطح معنایی- لغوی، انتخاب واژگانی، زمانی.

۱. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران. fallahabrahim@gmail.com

* فلاح، ابراهیم. (۱۴۰۴). بررسی واژگانی ترجمه کریم زمانی از قرآن کریم (با تکیه بر نظریه سطح معنایی-لغوی گارسس). مطالعات علوم قرآن، ۷(۲)، صص ۱۰۲-۱۳۲.

<https://Doi.org/10.22081/JQSS.2025.69932.1330>

ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

© ۱۴۰۴ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



مقدمه

تداوم سیر تکاملی و نهضت ترجمه‌های قرآن، نه تنها اهمیت موضوع ترجمه را نشان می‌دهد، بلکه ضرورتی انکارناپذیر است. این حرکت روبه‌رشد که به‌درستی آن را «بهار ترجمه قرآن» نام نهاده‌اند، بدون نقد ترجمه‌های گذشته بویژه طبق الگو و نظریه‌های دانش زبان‌شناسی امکان‌پذیر نیست. الگوی ارزیابی نقد ترجمه که از سال ۱۹۴۴ میلادی از سوی گارسس ارائه شده از مهمترین نظریات زبان‌شناسی است که به منظور ارزیابی سطح کیفی ترجمه‌ها، سامان یافته و به تحلیل کیفی متون ترجمه ادبی می‌پردازد.

با توجه به اهمیت انکارناشدنی ترجمه قرآن کریم، پژوهش حاضر، با تکیه بر مدل گارسس در نظر دارد تا انتخاب‌های واژگانی کریم زمانی در ترجمه قرآن را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. انتخاب ترجمه زمانی به این دلیل است که رویکرد وی در فرایند ترجمه به گزینش‌های واژگانی، اهمیت زیادی داده است. با اینکه نقد و بررسی از ترجمه کریم زمانی انجام گرفته است، اما تاکنون پژوهش تخصصی و نظام‌مند در سایه دانش زبان‌شناسی براساس مدل گارسس در این ترجمه صورت نگرفته است. از آنجایی که الگوی گارسس در چهار سطح (معنایی-لغوی، نحوی-واژه‌ساختی، گفتمانی-کارکردی و سبکی-عملی) طراحی شده است که از این میان سطح معنایی-لغوی که ویژه ارزیابی واژگان ترجمه‌ای است، مورد نظر این پژوهش و مناسب ترجمه مطروحه است. گفتنی است که به کارگیری سایر سطوح در این مقاله امکان‌پذیر نیست و به سبب گستردگی، مجال دیگری را می‌طلبد.

۱. پیشینه پژوهش

در زمینه نقد و ارزیابی ترجمه قرآن کریم پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، که بیشترین پژوهش را با استناد به مبانی علمی حوزه‌های بلاغی، نحوی، واژگانی و لغوی، ترجمه‌های قرآنی را مورد نقد و بررسی قرار دادند. اما پژوهش‌هایی که در زمینه نقد واژگان ترجمه‌های قرآنی در سایه دانش زبان‌شناسی و براساس مدل گارسس انجام گرفته است محدود و اندک است که از آن میان می‌توان به مقالات ذیل اشاره نمود:

مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی- لغوی گارسس) اثر رحیمی خویگانی (۱۳۹۶). این مقاله در شماره ۷ مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث چاپ شده و سعی نگارنده در این پژوهش این بوده که واژگان ترجمه گرمارودی را از منظر مولفه‌های نظریه گارسس در سطح معنایی-لغوی مورد ارزیابی قرار دهد. و به این نتیجه دست یافت که ترجمه گرمارودی هم توضیحی - توضیح تفسیری و واژگانی- است و هم موارد بیشماری از همانندی و معادل‌سازی - معادل مرسوم و غیر مرسوم- قبض و بسط واژگانی و همچنین انتقال ابهام را در خود دارد.

مقاله «بررسی واژگانی ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان در آیاتی از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم با تکیه بر نظریه سطح معنایی لغوی گارسس اثر بابازاده اقدم، فیروزجایی، نامداری و مهدی‌پور (۱۳۹۹). این مقاله در شماره ۱۳ مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث چاپ شد. در این مقاله نگارندگان جزء ۲۹ و ۳۰ را براساس مدل گارسس در سطح معنایی- لغوی بررسی کردند و به این نتایج دست یافتند که ترجمه انصاریان بجز قبض نحوی بیشترین مطابقت را با سطح معنایی- لغوی دارد و ترجمه حداد عادل که همه این سطح در ترجمه وی مشاهده می‌شود و ترجمه معزی به دلیل تحت‌اللفظی بودن به جز قبض نحوی در موارد دیگر کمترین کاربست را از الگوی گارسس داشته است.

مقاله «تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی براساس مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی: ترجمه‌های حداد عادل، معزی، انصاری از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن) اثر بابا زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۸) چاپ شده در مجله علمی - پژوهشی پژوهشهای ترجمه در زبان و ادبیات عربی دوره ۹ شماره ۲۱. در این مقاله نگارندگان جزء ۲۹ و ۳۰ را براساس مدل گارسس در سطح دستوری و واژگانی بررسی کردند و به این نتایج دست یافتند که طبق الگوی گارسس ترجمه معزی به صورت یک به یک است و هر کدام از حروف و واژگان را در جای خود ترجمه می‌کند که باعث نارسایی ترجمه وی می‌شود و ترجمه انصاریان و حداد عادل تنها به صورت توضیح و بسط معنا است.

اما در رابطه با ترجمه زمانی و به کارگیری الگوی گارسس در نقد آن، پژوهشی تاکنون صورت نگرفته است. البته یک پژوهش که نقد و بررسی ترجمه زمانی هست بدون تحلیل

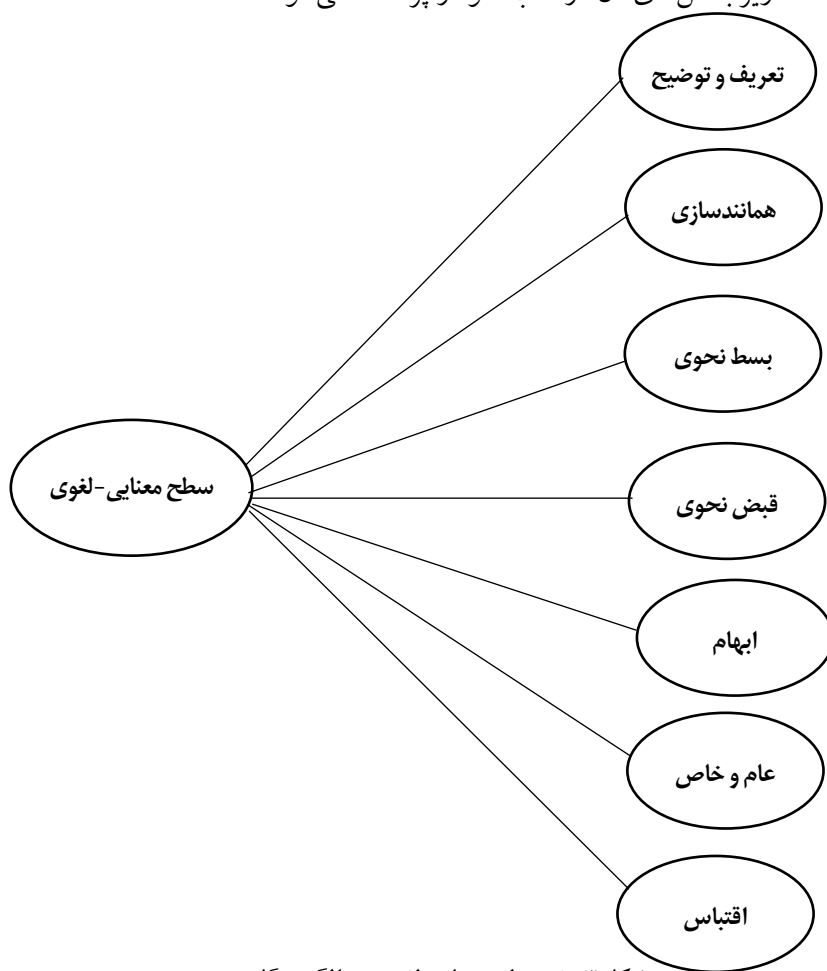
زبان‌شناسی در دو بخش در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ توسط نادعلی آشوری تلوکی نگاشته شد. بررسی ترجمه قرآن کریم استاد کریم زمانی بخش اول در مجله ترجمان وحی سال نوزدهم و بخش دوم آن در سال بیستم به چاپ رسید. که براساس الگوی علمی و دقیق و طبق نظریه‌های ترجمه بررسی نشد. عاشوری به این نتایج دست یافته است که استاد زمانی به خاطر انس مداوم با تفاسیر فقط به ترجمه کلام وحی اکتفا نکرده، در جنب آن به تفسیر مختصر آیات و شرح موجز آن پرداخته است. و نمی‌توان از نظر دور داشت که برخی کاستی‌ها، نظیر ترجمه ناشده‌ها و سهوالقلم‌ها و کم‌دقتی در برگردان برخی آیات در این ترجمه زیاد است. می‌توان گفت پژوهش حاضر، نخستین پژوهش مستقل در ارزیابی کیفیت ترجمه زمانی براساس الگوی گارسس در سطح معنایی-لغوی است.

۲. نظریه گارسس

الگوها و نظریات فراوانی به منظور ارزشیابی متون ترجمه شده، ارائه شده است. یکی از این نظریه‌ها مدل ترکیبی گارسس است که می‌تواند در تحلیل کیفیت متون ترجمه شده، راهگشا باشد. «الگوی پیشنهادی گارسس، مرکب از مدل پیشنهادی وینه و وداربلنه (۱۹۵۸) و آراء دیگر صاحب‌نظران در امر ترجمه همچون نایدا، نیومارک، دلیسل، مونن، نوبرت، ستو یا توری است (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹، صص ۵۷-۱۰۵). الگوی پیشنهادی گارسس مشتمل بر چهار سطح تحلیلی بوده است. گارسس خود به این نکته اذعان دارد که سطوح پیشنهادی گاهی با هم تداخل دارند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷). از نظر وی، متن مبدأ و ترجمه، در چهار سطح می‌بایست تا حد امکان مطابقت داشته باشند. این چهار سطح عبارتند از:

۱. سطح معنایی-لغوی
 ۲. سطح نحوی-واژه‌ساختی
 ۳. سطح گفتمانی-کارکردی
 ۴. سطح سبکی-عملی (گارسس، ۱۹۹۴م، صص ۲۷۷-۱۲۰)
- از امتیازات مهم نظریه گارسس این است که به‌طور ویژه‌ای به نقد و ارزیابی کیفیت

ترجمه می‌پردازد، به دلیل اینکه نظریه در چهار سطح ارائه شده و گسترده است. رهگیری این چهار سطح در پژوهش حاضر مد نظر نیست. از این میان، سطح معنایی- لغوی که مخصوص ارزیابی واژگان ترجمه‌ای است مورد نظر این پژوهش و مناسب ترجمه مورد بحث است. تلاش بر این است که واژگان انتخابی مترجم از منظر مولفه‌های سطح معنایی- لغوی ارزیابی گردد، تا تصویری مناسب از انتخاب‌های واژگانی کریم زمانی ارائه کند. اکنون به سطح معنایی- لغوی الگوی گارسس و تک‌تک زیر بخش‌های آن در قالب نمودار پرداخته می‌شود:



شکل ۳-۱: سطح معنایی لغوی در الگوی گارسس

به نظر می‌رسد قبل از ورود به بحث زیربخش‌های سطح معنایی - لغوی معرفی شود.

(الف) تعریف یا توضیح (The definition and explanation)

در این نوع ترجمه یک واژه به دلایل مختلف در زبان مقصد به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله معادل‌یابی می‌شود.

(مانند آنچه در بعضی واژه‌نامه‌ها می‌بینیم، ثبات: گروه پراکنده. و توضیح، عبارت است از افزودن اطلاعاتی که در پی اختلافات فرهنگی بین زبان اصلی و مقصد ضروری می‌گردد) (گارسس، ۱۹۹۴م، صص ۸۱-۸۰) مانند کلمه هفت سین: السفره التقلیدیه التي تحضر لإحياء عيد النوروز (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۸).

(ب) معادل فرهنگی یا کارکردی (Cultural Equivalent)

در این روش، واژه فرهنگی یا کارکردی زبان مبدأ با مشابه آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود.

- من قرع باباً و لَجَّ وَلَجَ: عاقبت جوینده یابنده است.
- كُلُّ شَاطِئٍ تُنَاطُ بِرَجْلَيْهَا: هر کس را در قبر خود می‌گذارند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۸).

(ج) اقتباس یا همانندسازی (Adaptation)

به معنای استفاده از معنای نزدیک و یا به‌کاربردن معادل جا افتاده است در این شیوه پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد و برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی مفید است.

- فَقَطَّبَ أَبُوهُ حَاجِيَهُ فَجَاءَ: پدر ناگهان سگرمه‌هایش را توی هم برد.
- در این نمونه مترجم از معادلی استفاده کرده که در زبان فارسی جا افتاده است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۸).

د) بسط نحوی (Grammatical expansion)

این اصطلاح به معنای افزودن یک یا چند کلمه به متن ترجمه به خاطر ضرورت دستور زبان است.

– لقد شغل صباه (-) الخيل: جوانی اش را با پرورش اسب گذرانده بود.
در متن مبدأ، معادلی برای کلمه «پرورش» قبل از واژه «الخيل» وجود ندارد. اما مترجم برای رفع ابهام موجود در متن اصلی که به دلیل حذف مضاف ایجاد شده، مضاف محذوف را به ترجمه برگردانده و بدین ترتیب سطح نحوی رخ داده است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، صص ۱۲۹-۱۲۸).

ه) قبض (Contraction)

عکس شیوه فوق است و آن هنگام به کاربردن یک واژه در زبان مقصد است، در برابر چند واژه زبان مبدأ (گارسس، ۱۹۹۴م، ص ۸۰).

– اما الشيء الأكثر غرابه فهو... ترجمه: عجیب تر اینکه...

در این نمونه مترجم در برابر سه واژه «الشيء الأكثر غرابه» تنها واژه «عجیب تر» را به کار برده است. بدین ترتیب متن مقصد (به دلایل نحوی) نسبت به متن مبدأ از تعداد واژگان کمتری برخوردار است و قبل یا فشرده گی متن اتفاق افتاده است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۲۹).

و) ابهام واژگانی (Lexical ambiguity)

گاهی در ترجمه ابهام پیش می آید. بویژه در زبان های مقصدی که فاقد ضمیر سوم شخص مونث و مذکر (she/he و her/ his) هستند. در این صورت مترجم باید در رفع آن بکوشد (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۳۰). ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی. اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد و اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶، ص ۵۱). ابهام انواع مختلفی دارد که نیومارک انواع هفتگانه آن

را مطرح می‌کند (نیومارک، ۲۰۰۶م، صص ۳۶۵-۳۶۰) البته در این پژوهش به ابهام واژگانی پرداخته خواهد شد.

ز) عام و خاص (general versus particular)

ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) است یا بر عکس. این شیوه معمولاً در مورد اقلام بزرگتر از واژه به کار می‌رود، اما در مورد واژه هم مصداق دارد. ترجمه واژه‌ای خاص به واژه عام یا برعکس.

– تَسْرَبَتِ الْمَعْلُومَاتُ مِنَ الصَّحِيفَةِ ترجمه: اطلاعات از روزنامه به بیرون نفوذ کرد. در این نمونه واژه خاص «درز کردن» به واژه عام «نفوذ کردن» ترجمه شده است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹).

۳. سطح معنایی – لغوی الگوی گارسس و میزان کاربست آن در ترجمه زمانی

در ادامه بحث، مولفه‌های معرفی شده از نظریه گارسس، به طور عینی، بر ترجمه زمانی پیاده خواهد شد.

۳-۱. تعریف یا توضیح

از اصول مهم در ترجمه متون مقدس، وفاداری به متن مبدأ است. تلاش مترجم باید به گونه‌ای باشد که کلمات را تا آنجا که ممکن است تغییر ندهد و برگردانی کامل و جزء به جزء از واژه و جملات به دست دهد؛ درحالی که تعریف و توضیح واژه یا عبارت از نظر گارسس برخلاف اصول فوق است. با توجه به اینکه استفاده از تفسیر و توضیح در ترجمه متون مقدس و غیرمقدس، همیشه مطرح بوده است و مترجمان در زمان‌های مختلف درباره آن مطالبی را مختصر یا مفصل بیان داشته‌اند، ترجمه پژوهان و مترجمان قرآن، ترجمه‌ای را که همراه با پرائنترها و پا نوشت‌ها و توضیحات باشد، ترجمه تفسیری می‌نامند (جواهری، ۱۳۸۹، ص ۵۹). برخی مترجمان معتقدند که ترجمه

تحت اللفظی به دلیل نارسا بودن نسبت به سایر انواع ترجمه از مقبولیت کمتری برخوردار است (معروف، ۱۳۸۰، ص ۱۳). بی‌آزار شیرازی در این باره گفته است: «ترجمه تحت اللفظی نمی‌تواند مطابق با شرایط زمانه باشد، او بر آن است که باید با استفاده از تفاسیر و ارتباط آیات و سایر شرایط ترجمه تفسیر و به کارگیری کلمات مناسب و با در نظر گرفتن مفاهیم آنها در اصل قرآن و زمینه‌های تاریخی آنها و احیاناً با افزودن یا جمله تفسیری و توضیحی در قلاب و پرانتز و دسته‌بندی و ردیف کردن و تیرگذاری و استفاده از علائم و رموز جدید نگارش و یا توضیح پاره‌ای از مطالب در پانویس یا پی‌نوشت فاصله زمانی را جبران کنیم» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷).

ترجمه زمانی از قرآن را باید ترجمه تفسیری نامید. توضیحاتش هم در کمانک‌های بیشماری که در متن گنجانده و هم در ذیل ترجمه ذکر شده است. این توضیحات تفسیری عمدتاً به سه شیوه در ترجمه زمانی دیده می‌شود:

«توضیحات مربوط به دلایل گزینش یک واژه»، «توضیحات داخل کمانک و تفسیری»، «توضیحات تکمیلی در ذیل ترجمه».

۳-۱-۱. توضیحات مربوط به دلایل گزینش یک واژه

زمانی، از مترجمان فرهیخته است که همه توانمندی‌هایش را در برگردان کلام خداوند و شرح و توضیح آیات انتقال معانی و مفاهیم آن به کار بست، و سعی کرد همه واژه‌ها را توضیح و تعریف نماید. به عنوان نمونه در همان ابتدای ترجمه اش بعد از توضیحات فراوان درباره واژه فاتحه معنای آن را «گشاینده و آغازگر» نوشته است (زمانی، ۱۳۸۹، ص ۱) و یا درباره واژه «رحمان» تصریح می‌کند: رحمان، صیغه مبالغه و معنای آن را مهرگستر ترجمه نموده است. درباره واژه دین ذکر کرده است: «دین معانی گوناگون دارد و از جمله به معنای جزا و پاداش است» (زمانی، ۱۳۸۹، ص ۲) و در ترجمه «مالک يوم الدين» صاحب روز جزا می‌آورد. بعد از توضیح درباره واژه «الله» و اشتقاق آن، معنای آن را خداوند ذکر نموده است و معنای «إله» را معبود نوشته است. توضیح و

در آمیختگی ترجمه و تفسیر را به همراه دارد به نمونه‌هایی اکتفا می‌شود:

در ترجمه آیه ۱۵۳ سوره نساء «فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَأَتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا» این گونه آورده است: «ولی از این گناهشان در گذشتیم و به موسی حجت آشکار دادیم» در این ترجمه هم «ولی» و هم «گناه‌شان» تفسیری است و در لفظ آیه معادلی ندارد. و یا در سوره فاطر آیه ۲۹ «إِنَّ الَّذِينَ يَثْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ...» این گونه ترجمه کرده است: «براستی کسانی که کتاب خدا را از روی فهم و تدبّر می‌خوانند...» که «از روی فهم و تدبّر» معادلی در لفظ ندارد و تفسیری است.

و یا در ترجمه آیه ۸۳ سوره قصص «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» می‌نویسد: «این سرای آخرت را تنها برای کسانی نهاده‌ایم که در زمین هیچ گونه برتری جویی و فساد نمی‌خواهند» در ترجمه این آیه واژه‌های «تنها» و «هیچ‌گونه» معادلی در متن آیه ندارند؛ بنابراین ترجمه زمانی سراسر توضیح و تفسیر است، زیرا همان‌طور که مشاهده شد، کمتر خطی از این ترجمه هست که توضیحات تفسیری اشراپ شده در متن و یا داخل کمانک، نداشته باشد.

۳-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی و رایج

معادل فرهنگی، پیدا کردن واژه‌ای از فرهنگ زبان مقصد به‌عنوان جایگزین واژه‌ای در زبان مبدا است، به شرط اینکه واژه جایگزین نزدیک‌ترین معنای واژه اصلی را البته با رعایت فرهنگ زبان مقصد داشته باشد؛ بنابراین معادل‌یابی در واژگان جایگزین در اختلاف ترجمه‌ها نقش اساسی دارد، به‌طوری‌که در ادبیات عرب، گاهی کلمه‌ای بجای کلمه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شود و معنای اصلی خود را از دست می‌دهد. البته در قرآن کلماتی وجود دارد که بار معنایی خاصی دارند و این ویژگی در معادل فارسی آنها وجود ندارد. کلماتی مانند جهاد، زکات، کفر، نفاق، ایمان، انفاق و مشتقات آنها. برخی مترجمان این کلمات را به همان صورت ذکر و از آوردن معادل فارسی آنها در ترجمه خودداری کرده‌اند. در مقابل این گروه بسیاری از مترجمان معادل فرهنگی این کلمات را ذکر کرده‌اند. زمانی در ترجمه قرآن تلاش کرده که یک معادل‌های

فرهنگی-دینی فراوانی برای واژگان قرآنی انتخاب کند به گونه‌ای که این واژه‌های گزینش شده وی را می‌توان به دو دسته مرسوم و غیرمرسوم تقسیم کرد. واژه‌هایی که خودساخته است در زمره غیرمرسوم‌ها قرار می‌گیرند.

۳-۲-۱. واژگان مرسوم (Common Words)

یکی از مهمترین وظایف مترجم قرآن، معادلیابی و در صورت نیاز معادل‌سازی است. «نثر ترجمه زمانی در مجموعه خوب و رساست و مترجم سعی داشته از نثر معیار در برگردان آیات بهره جوید؛ ولی اولاً به نثر ادیبانه بیشتر نزدیک می‌شود تا نثر معیار. ثانیاً جدیتی را از سوی ایشان در جهت فارسی‌سازی نثر ترجمه و معادل‌سازی‌های دقیق شاهد نیستیم.» (عاشوری تلویکی، ۱۳۹۵، ص ۱۷) زمانی سعی کرده است، بعضی واژگان مرسوم فارسی را بجای واژه‌های مشهور قرآنی بگذارد. با جستجو در ترجمه زمانی موارد بسیاری مشاهده می‌شود که ایشان واژگان قرآنی مشهور را ترجمه نموده است؛ که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

واژه «رستاخیز» بجای «القیامة»

«فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (بقره، ۱۱۳).

انتخاب معادل فرهنگی «رستاخیز» بجای ماده «قیامت» برای مخاطبان زبان فارسی کنونی کمی غریب است، به خاطر اینکه واژه «قیامت» از «رستاخیز» پرکاربردتر شده است، اما این جایگزینی فرهنگی از مترجم است.

«بوستان‌ها» بجای «الجنات»

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (بقره، ۲۵).

«به آنان که ایمان آورده و کارهای نیک کرده‌اند مژده ده که ایشان را بوستان‌هایی است که از زیر [درختاران] آن، جویباران جاری است».

«روز بازپسین» بجای «الیوم الاخر»

«... مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (بقره، ۱۲۶).

«کسانی از آنان را که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌اند»

«نکووامی» بجای «فرض الحسنه»

«مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَوْلًا حَسَنًا...» (بقره، ۲۴۵) در ترجمه ذکر نموده است (کیست

که به خداوند، نکووامی دهد).

«پیکار» بجای «القتال»

«... ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره، ۲۴۶).

«پادشاهی برای ما برگمار تا [تخت فرماندهی او] در راه خدا پیکار کنیم».

۲-۲-۳. واژگان غیرمرسوم (Uncommon Words)

درباره واژگان غیرمرسوم هم باید گفت که گاهی تعمد مترجم بر گزینش معادل‌های فارسی، با افراط همراه بوده است، به‌طوری که واژگان انتخابی او دیگر برای فرهنگ مقصد آشنا نیست و غیرمرسوم است:

«قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا...» (یس، ۵۲).

«[و از روی حیرت و تعجب] گویند: وای بر ما! چه کسی ما را از خواب‌جایمان برانگیخته است؟ واژه «خواب‌جای» در زبان فارسی جزوه واژگان کم کاربرد است و از نظر بلاغی «غیر فصیح» است. و یا واژه «لاغ» در ترجمه زیر.

«وَمَا هُوَ بِالْهَرَلِ» (طارق، ۱۴) «و سخنی لاغ و شوخی نیست».

و یا «پیری کلان‌سال» در ترجمه آیه زیر:

«... قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَا لَا تَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص، ۲۳).

«گفت کار شما چیست [یعنی چرا نمی‌گذارید گوسفندان‌تان از آب چاه استفاده کنند؟ و اصلاً چرا هیچ مردی همراه شما نیست؟] گفتند: [چهارپایان‌مان را] آب

نمی‌دهیم تا این شبانان [چهارپایان خود را از سر چاه] بازگردانند و [اگر فقط ما دو دختر همراه گله احشام آمده‌ایم بدین خاطر است که] پدرمان پیری کلان‌سال است».

و یا «جنبانش» بجای «تَهْتَرُ».

«وَأَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ...» (نمل، ۱۰).

«عصایت را بیفکن و [موسی بی‌درنگ عصای خود را بر زمین افکند و همان لحظه

به ازدهایی مهیب تبدیل شد!] و چون موسی نگریست، سخت جنبانش دید».

و یا «پیروزان‌اند» بجای «الغالبون».

«وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات، ۱۷۳).

«و سپاه ما قطعاً پیروزان‌اند» که فعل پیروزان‌اند برای مخاطب فارسی‌زبان

نامأنوس است.

۳-۳. بسط نحوی

بسط نحوی به معنای افزودن یک یا چند کلمه به متن ترجمه به خاطر ضرورت دستور زبان است. به عبارت دیگر «بسط نحوی یعنی مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده در زبان مقصد تصریح گردد» (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۷۷). از نظر گارسس، این روش دقیق نیست. اما اگر برای برون‌رفت از یک چالش ترجمه‌ای باشد، پسندیده است، ولی در جایی که ضرورتی نباشد، مخل ترجمه و برهم زنده تعادل واژگانی است. در ترجمه آیات الهی، گرایش به بسط و افزایش واژگانی برای فهم بهتر مقصود، بیشتر است (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹) به‌عنوان نمونه:

«وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا...» (بقره، ۱۴).

«و چون با دوستان شیطان صفت خود تنها شوند» در این آیه واژگان ترجمه شده

بیشتر از واژگان متن اصلی است، این عدول از ساخت نحوی باعث بسط می‌شود. همین

مسئله در آیه ذیل هم وجود دارد:

«... كَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ...» (اعراف، ۶۱).

«در من هیچ گونه گمراهی ای نیست» در ترجمه کلمه «هیچ گونه» ذکر شد که معادلی در آیه ندارد.

و یا در این آیه «... صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ...» (نمل، ۸۸) «این است آفرینش خدا! که [خلقت] هر چیزی را استوار داشته است» در ذیل آیه توضیح می‌دهد: «نصب صُنِعَ الله به جهت تقدیر فعل صنع است، لذا اضافه مصدر به فاعل است و در اصل، چنین بوده است: «صَنَعَ اللَّهُ صُنْعًا» توضیح بسیار دقیق است، اما آیه را به صورت اسنادی و خبر برای مبتدای محذوف ترجمه نمود (زمانی، ۱۳۸۹، ص ۷۶۸). گرامرودی در این زمینه گفته است: «در ترجمه این نوع مفعول مطلق‌ها که یا به فاعل اصلی خود (الله) اضافه می‌شده‌اند (مثل صبغه الله) و یا فاعل اصلی آن مجرور با حروف جاره است، گریزی جز این نیست که از ساخت نحوی اصلی، عدول کنیم، زیرا ما در فارسی برابر آن را نداریم.» (گرامرودی، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

و یا این آیه «... فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء، ۱۱).

(این احکام) فریضه‌ای است از سوی خداوند، بی گمان خداوند دانای حکیم است.»
«وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ...» (نحل، ۵۷) «و [مشرکان به پندار یاوه خود] برای خداوندی که از [جمع اوصاف مخلوق] پاک و منزّه است.»

۳-۴. قبض نحوی (کاهش)

قبض نحوی برعکس بسط نحوی است، یعنی به کار بردن یک واژه در زبان مقصد در برابر چند واژه از زبان مبدا است (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸). به عنوان نمونه اگر مترجم در برابر سه واژه «الشيء الأكثر غرابه» تنها واژه «عجیب‌تر» را به کار ببرد، ترتیب متن مقصد (به دلایل نحوی) نسبت به متن مبدا از تعداد واژگان کمتری برخوردار است و قبض یا کاهش یا فشردگی متن اتفاق افتاده است (نیازی، قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹). ترجمه زمانی در موارد بسیار، دارای قبض واژگانی است، که در ذیل به برخی از موارد اشاره خواهد شد.

۳-۴-۱. حذف فعل به قرینه لفظی

یکی از نمونه‌هایی که در ترجمه زمانی باعث قبض نحوی در متن مقصد می‌شود، حذف فعل به قرینه لفظی است، وی سعی نموده است، برای کوتاهی و فشرده‌گی متن از میان دو فعل مشابه فقط یک فعل آن را ترجمه و دومی را به قرینه لفظی حذف می‌کند. به‌عنوان نمونه:

«...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...» (محمد، ۳۳).

«از خدا و پیامبر اطاعت کنید» حذف فعل «اطاعت کنید» به قرینه لفظی. آنچه مسلم است اطاعت هر یک از این دو غیر از اطاعت از دیگری است. و جداگانه باید ذکر می‌شد و یا در ترجمه آیه ذیل:

۳-۴-۲. تبدیل مجهول (Active) به معلوم (Passive)

تبدیل مجهول به معلوم یکی از مولفه‌هایی است که باعث قبض واژگانی در ترجمه زمانی شده است به‌عنوان نمونه:

«... ثُمَّ إِلَيَّ رَجَعُهُمْ يُحْشَرُونَ » (انعام، ۳۸).

«آنگاه جملگی به‌سوی پروردگارشان محشور شوند».

فعل «يُحْشَرُونَ» که مجهول است به صورت معلوم ترجمه شده است. در صورتی که باید به «گرد آورده می‌شوند» ترجمه می‌شد. و یا در این آیه:

«... يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ... » (انعام، ۱۴).

«طعام می‌دهد و از هیچ کس طعام نمی‌گیرد» فعل مجهول به صورت معلوم ترجمه شده است. ترجمه صحیح آن این چنین است: «می‌خوراند و خورانده نمی‌شود» (گرمارودی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹).

«... وَنُرْزِقُ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهَ... » (انعام، ۷۱).

«پس از آنکه خداوند ما را [به راه مستقیم] هدایت کرد [از آن راه] واپس می‌رویم» در این آیه فعل «نُرْزِقُ» که مجهول است به صورت معلوم ترجمه شد. «نُرْزِقُ» به «بازگردانده شویم» باید ترجمه شود.

۳-۴-۳. اسمی‌شدگی (Nominalization)

یکی از جنبه‌های قبض و کاهش واژگانی متن مبدأ، اسمی‌شدگی است که در ترجمه زمانی از قرآن کریم مشاهده می‌شود. اسمی‌شدگی یعنی «جایگزین شدن گروه فعلی با گروه اسمی» (طیسی، ۱۳۸۶، ص ۹۰۵) به‌عنوان نمونه در آیه ذیل: «...فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَرُ...» (نمل، ۱۰) «پس موسی نگریست سخت جنبانش دید» در این ترجمه «تَهْتَرُ» که فعل مضارع است به اسم، یعنی «جنبانش» ترجمه شد.

«... فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، ۲۲).

«پس برای خداوند [که هیچ همتایی ندارد] دانسته [و از روی علم و عمد] همتیانی بر مگمارید».

در ترجمه ی آیه، مترجم بجای «لا تعلمون» که یک گروه فعلی است، تنها یک واژه دانسته آورده است.

۳-۵. ابهام واژگانی

ترجمه «ابهام» در متون مقدس بویژه قرآن کریم یکی از چالش برانگیزترین مسائل زبان‌شناسی است که برای برون‌رفت از آن انواع راهبردها ارائه شده است. البته باید یادآوری شود که متن قرآن هیچ ابهامی ندارد و منظور از ابهام همان چند معنای واژگان قرآنی است، و در اصطلاح به معنای «این است که کلمه، عبارت و یا جمله‌ای بیش از یک معنا داشته باشد» (نظری، ۱۳۹۵، ص ۶۴؛ نیومارک، ۱۳۷۲، ص ۲۸۶). طبق نظر گارسس ابهام به «ابهام عمدی» و «ابهام غیرعمدی» تقسیم می‌شود. اگر غیرعمدی باشد، باید برطرف شود و اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹).

ابهام نوع اول در قرآن نیست، در اینجا نمونه‌هایی درباره نوع دوم ذکر می‌شود:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَهُ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ...» (بقره، ۱۹۳).

«و با آنان پیکار کنید تا فتنه بر جای نماند، و دین، تنها مخصوص خدا باشد» در ترجمه آیه شریفه، انتخاب معنای درست برای واژه «الدین» نیاز به دقت دارد، چون واژه دین به معنای «پاداش»، «داوری کردن»، «کیش و آیین»، و «فرمانبرداری» و... است

(تفلیسی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱). علاوه بر آن واژه فتنه در قرآن به پانزده وجه و معانی در آیات مختلف آمده است. اما مترجم در اینجا آسان‌ترین و مبهم‌ترین شیوه یعنی ترجمه لفظی این دو واژه را انتخاب کرده است.

«الَّذِي يَضِلُّ النَّارَ الْكُبْرَى» (اعلی، ۱۲).

«همان کسی که به بزرگترین آتش در می‌آید» و در ترجمه این آیه «فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (غاشیه، ۲۴) «چرا که خداوند او را به عذاب بزرگتر معذب کند» این‌گونه آمده است.

مترجم واژه «العذاب الأكبر» را به عذاب بزرگتر ترجمه کرده است، ولی واژه «النار الكبرى» را به آتش بزرگ ترجمه نمود. معمولاً بزرگی و کوچکی را به آتش نسبت نمی‌دهند. اگر آتش سهمگین ترجمه شود، برای مخاطب آن آسانتر است و شاید معادل بهتری باشد.

«وَنَادَيْنَا مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا» (مریم، ۵۲).

«و او را از سمت راست [کوه] طور، ندا دادیم».

مترجم در ذیل ترجمه «أَيْمَنِ» را به «طرف راست» ترجمه کرد، درحالی‌که واژه «أَيْمَنِ» چند معنا دارد که یکی از معانی آن طرف راست می‌باشد. احتمال آن است که این واژه «أَيْمَنِ» به معنای «راست» و یا از ریشه «أَيْمَنِ» (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۷۴) به معنای سعد و خجستگی باشد. از میان این سه وجوه معنایی مترجم باید بسته به بافت سخن، یکی از این موارد را انتخاب و توضیح آن در داخل کمانک و یا پرانتز باشد.

«... فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (آل عمران، ص ۱۰۷).

«در رحمت خدا هستند و در آن [رحمت] جاودان‌اند».

لغویون برای کلمه «رحمت» معانی مختلفی برشمردند. از آن جمله دامغانی پانزده معنا، فیروزآبادی بیست معنا، سیوطی چهارده معنا، و منجد هفده معنا بیان کرده‌اند. سیوطی می‌نویسد «رحمت» به معنای اسلام، بهشت، ایمان، باران، نعمت، نبوت، رزق، عافیت، مودت، مغفرت و... آمده است (طیب حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲). راهبرد مترجم در

ترجمه این آیه، ترجمه لفظی است و از میان معانی متعدد باید بسته به بافت سخن معنای متناسب را برگزیند. که «بهشت» معنای متناسب است.

۳-۶. عام در برابر خاص یا برعکس

ترجمه لغتی خاص، به صورت عام و برعکس آن است. به عنوان مثال واژه «السُّلوی» معادل فارسی آن «بلدرچین» است؛ اما در ترجمه زمانی رویکردی عام یافته است. «...وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسُّلُوٰی...» (بقره، ۵۷).

و مَنْ [ترنگین یا شیر درختان] و سلوی [نوعی پرنده لذیذ گوشت] را روزی شما کردیم.

«أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا» (نبأ، ۶).

«مگر زمین را بستری نگردانیده ایم؟»

واژه «مهاد» در آیه اسم خاص (ذات) به معنی فرش است. مهاد: المكان الممهد الموطأ، یعنی مکان صاف و آماده و مرتب و از مصادیق آن گهواره یا بستر است (راغب اصفهانی، ۱۴۳۰ق، ص ۶۲۴)؛ درحالی که زمانی آن را به عام (بستر) ترجمه کرده است.

۳-۷. اقتباس (معنای نزدیک)

اقتباس یا معنی نزدیک، به کار بردن معادل جافتاده و کاربردی در بین مردم است (گارسس، ۱۹۹۴م، صص ۸۱-۸۰) و در واقع به کارگیری معادل و معنای نزدیک مصطلحات است و بیشتر در مورد انتقال اصطلاحات ادبی و بلاغی کاربرد دارد، نه مفردات و واژگان. شاید بتوان گفت که ترجمه خوب و ادبی آن است که هم اقتباس باشد و هم ترجمه، یعنی جنبه ادبی و بلاغی داشته باشد (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷).

«وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» (مدثر، ۴۵).

«و تازه با یاوه گویان، یاوه نیز می بافیم».

با توجه به سیاق آیات تفسیر آنها که در مورد دوزخیان است روشن می شود که نخوض به معنای «فرو رفتن در باطل» است (راغب اصفهانی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۲۶) و زمانی آن را به

یاوه‌گویان ترجمه نموده، که این واژه در میان مخاطب عصر ما مرسوم و رایج است. مترجم با انتخاب نزدیک‌ترین معنا در زبان مقصد، معنا و مفهوم کامل آیه را تبیین کرده است.

«... وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ وَالْمُسْكَنَةُ...» (بقره، ۶۱).

«و [بدین‌سان] مُهر خواری و بینوایی بر آنان [ناسپاسان بنی‌اسرائیل] زده شد.»
معنای تحت‌اللفظی عبارت قرآنی، چنین است: «خواری و درماندگی بر آنان زده شد» این ترجمه برای مخاطب فارسی زبان نامفهوم است. از این‌رو مترجم باید تلاش کند تا معنای عبارت قرآنی را برای مخاطب تبیین کند و از معادل نزدیک‌تر در زبان فارسی استفاده کند که زمانی از معنای نزدیک و کلمه‌ای که در زبان مقصد جا افتاده است، را به کار برده است: «مُهر خواری و بینوایی بر آنان [ناسپاسان بنی‌اسرائیل] زده شد» این نوع ترجمه جاافتاده‌تر و ملموس‌تر از ترجمه تحت‌اللفظی است.

نتیجه‌گیری

۱. الگوی پیشنهادی کارمن گارسس در سطح معنایی- لغوی جهت نقد و ترجمه کریم زمانی از قرآن کریم الگوی خوبی است؛ زیرا مترجم در فرایند ترجمه هم از همانندسازی، توضیح و تفسیر واژگان و معادل‌گزینی سود جسته و هم اقدام به قبض و بسط واژگانی و انتقال ابهام نموده است.

۲. ترجمه زمانی، در مبحث توضیح و تفسیر واژگان، مصادیق زیادی از اضافات توضیحی و تفصیلی را در خود جای داده است؛ توضیحات تفصیلی عمدتاً به سه شکل در ترجمه زمانی قابل مشاهده است: الف) توضیحات مربوط به دلایل‌گزینش یک واژه. ب) توضیحات داخل کمانک یا تفسیری. ج) توضیحات تکمیلی در متن ترجمه؛ بنابراین ترجمه زمانی یک ترجمه توضیحی و تفسیری است.

۳. استفاده از چند معادل فرهنگی یا رایج، از جمله مسائل قابل توجه در ترجمه زمانی است. مترجم هم واژگان نو و جدید ابداع کرده و هم از واژگان کهن فارسی در ترجمه استفاده نموده، این واژگان گاهی مرسوم و گاهی غیر مرسوم است.

۴. بسط و قبض واژگانی در ترجمه زمانی، در بیشتر موارد شامل حذف ارکان جمله، اسمی‌شدگی و تبدیل مجهول به معلوم و حذف فعل است. در ترجمه زمانی تغییر ساختار عربی به سطح واژگان مشاهده می‌شود، ساختارهایی مثل مفعول مطلق که باعث قبض و بسط واژگانی شده‌اند.

۵. زمانی در بحث ابهام واژگانی در واژه‌های چند معنایی ترجمه لفظی را انتخاب نمود، که واژه مبدا را در متن مقصد نشان می‌دهد.

۶. در مبحث عام در برابر خاص یا برعکس، در ترجمه زمانی لغات خاص رویکردی عام یافته‌اند. و در بحث اقتباس، زمانی با انتخاب نزدیک‌ترین معنا در زبان مقصد، معنای آیات را تبیین کرده است.

۷. ترجمه زمانی جمع ترجمه و تفسیر است و اثری شایسته و گرانبها و در زمره ۱۰ ترجمه ممتاز معاصر است که نواقص و کمبودهای مختصری در آن مشاهده می‌شود و این مسئله یک امر طبیعی است که در چنین پروژه‌های سنگینی پیش می‌آید.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

- اندلسی، ابو حیان. (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر (ج ۷). بیروت: دارالفکر.
- بابازاده اقدم، عسگر؛ تک تبار فیروزجائی، حسین؛ نامداری، ابراهیم؛ مهدی پور، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی واژگانی ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان در آیاتی از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم با تکیه بر نظریه سطح معنایی-لغوی گارسس، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۷(۱۳). صص ۱-۳۲.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۷). قرآن ناطق. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم. (۱۳۷۸). وجوه قرآن (به اهتمام مهدی محقق). تهران: دانشگاه تهران.
- جواهری، سید محمد حسین. (۱۳۸۹). درسنامه ترجمه، اصول مبانی ترجمه قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۳۰ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- رحیمی خویگانی، محمد. (۱۳۹۶). نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس)، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۴(۷). صص ۶۹-۹۴.
- رشیدی، ناصر؛ فرزانه، شهین. (۱۳۸۹). ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴). فصلنامه زبان‌پژوهی ۲(۳). صص ۵۷-۱۰۵.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۹). ترجمه روشنگر قرآن کریم. تهران: نشر نامک.
- صیادانی، علی و همکاران. (۱۳۹۶). تحلیل محتوایی و آماری مقاله‌ی دو فصلنامه نقد ادب معاصر عربی چاپ دانشگاه یزد»، مجله نقد ادب معاصر عربی، ۸(۱۶). صص ۱۶۱-۱۴۱.

طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۲). درآمدی بر دانش مفردات قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طیبی، اکرم. (۱۳۸۶). بررسی فرایند اسمی شدگی در ترجمه اولین زن و مرد مترجم فارسی قرآن مجید. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۲۰، صص ۹۱۶-۹۰۱.

عاشوری تلوکی، نادعلی. (۱۳۹۵). بررسی ترجمه قرآن کریم استاد کریم زمانی. مجله ترجمان وحی. ۱۹(۳۹)، صص ۱۷-۴۶.

متقی زاده، عیسی؛ نقی زاده، سیدعلاء. (۱۳۹۶). ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی، براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۷(۱۶)، صص ۱۹۳-۱۶۹.

مختاری اردکانی، محمدعلی. (۱۳۷۶). چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه، مجله مترجم، شماره ۲۵، صص ۵۸-۵۰.

معروف، یحیی. (۱۳۸۰). فن ترجمه، اصول نظری و علمی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۳). ترجمه قرآن. تهران: نشر قدیانی.

نظری، یوسف. (۱۳۹۵). وجوه ابهام یا ابهام نحوی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمه قرآن کریم، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۶(۱۵)، صص ۸۸-۶۴.

نیازی، شهریار. قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی). چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

نیومارک، پیتر. (۲۰۰۶م). الجامع فی الترجمة. ترجمه و إعداد: أ. د. حسن غزاله. بیروت: دارو مکتبه الهلال،

نیومارک، پیتر. (۱۳۷۲). دوره آموزش فنون ترجمه، تز: منصور فهمیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما.

Garcess. C. V. A. methodological proposal for the assessment of translated literary works. Bael. 40. Pp 77-101. (1994m).

References

* The Holy Quran

Andalusi, A. (2000). *Al-Bahr al-muhit fi al-tafsir* (Vol. 7). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]

Ashouri Taluki, N. (2016). A study of the Qur'an translation by Karim Zamani. *Tarjoman-e Vahy Journal*, 19(39), pp. 17–46. [In Persian]

Babazadeh Aghdam, A., Tak Tabar Firouzjaji, H., Namdari, E., & Mehdi Pour, F. (2020). A lexical analysis of Haddad Adel, Moezzi, and Ansarian's translations of the Qur'an in selected verses from Juz' 29 and 30 based on Garces' semantic-lexical model. *Journal of Qur'an and Hadith Translation Studies*, 7(13), pp. 1–32. [In Persian]

Bi-Azar Shirazi, A. (1998). *Qur'an-e natiq* [The Speaking Qur'an]. Tehran: Islamic Culture Publication Office. [In Persian]

Garces, C. V. (1994). A methodological proposal for the assessment of translated literary works. *Babel*, 40, pp. 77–101.

Javaheri, S. M. (2010). *Darsname-ye tarjomeh: osul va mabani-ye tarjome-ye Qur'an* [Textbook on translation: Principles and foundations of Qur'an translation]. Qom: Research Institute of Hawza and University. [In Persian]

Marouf, Y. (2001). *The art of translation: Theoretical and scientific principles of translation from Arabic to Persian and Persian to Arabic*. Tehran: SAMT. [In Persian]

Mokhtari Ardakani, M. A. (1997). A theoretical framework for translation evaluation. *Motarjem Journal*, (25), pp. 50–58. [In Persian]

Motaghi-Zadeh, I., & Naqi-Zadeh, S. A. (2017). Evaluation of Persian-to-Arabic literary translations based on Carmen Garces' model (Case study: The Supreme Leader's message for Hajj, 2016). *Research in Arabic Language and Literature Translation*, 7(16), pp. 169–193. [In Persian]

- Mousavi Garmaroudi, A. (2004). *Translation of the Qur'an*. Tehran: Qadyani Publications. [In Persian]
- Nazari, Y. (2016). Aspects of syntactic ambiguity in Arabic and its impact on Qur'an translation. *Research in Arabic Language and Literature Translation*, 6(15), pp. 64-88. [In Persian]
- Newmark, P. (1993). *A Course on translation techniques* (M. Fahim & S. Sabzian, Trans.). Tehran: Rahnama. [In Persian]
- Newmark, P. (2006). *Al-Jame' fi al-tarjama* (H. Ghazala, Trans. & Ed.). Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal. [In Arabic]
- Niazi, S., & Ghasemi Asl, Z. (2018). *Models of translation evaluation (with a focus on Arabic)*. (2nd ed.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Raghib Isfahani, H. (2009). *Al-Mufradat fi gharib al-Qur'an*. Beirut: Al-Alami Institute for Publications. [In Arabic]
- Rahimi Khoygani, M. (2017). A lexical critique of Mousavi Garmaroudi's Qur'an translation based on Garces' semantic-lexical level. *Journal of Qur'an and Hadith Translation Studies*, 4(7), pp. 69-94. [In Persian]
- Rashidi, N., & Farzaneh, S. (2010). Evaluation and comparison of Persian translations of Mark Twain's *The Prince and the Pauper* based on Garces' (1994) model. *Zaban-Pajoohi*, 2(3), pp. 57-105. [In Persian]
- Sayadani, A., et al. (2017). Content and statistical analysis of articles in the *Journal of Contemporary Arabic Literature Criticism* (University of Yazd). *Journal of Contemporary Arabic Literature Criticism*, 8(16), pp. 141-161. [In Persian]
- Tayeb Hosseini, S. M. (2013). *An introduction to the science of Qur'anic vocabulary*. Qom: Research Institute of Hawza and University. [In Persian]
- Tayebi, A. (2007). Analysis of nominalization processes in the translation of *The First Woman and Man*, the first Persian Qur'an translators. *Proceedings of Allameh Tabataba'i University*, (220), pp. 901-916. [In Persian]

- Teflisi, H. b. I. (1999). *Wujuh al-Qur'an* (M. Mohaqqiq, Ed.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Zamani, K. (2010). *Tarjomeh-ye roshangar-e Qur'an-e Karim* [Illuminating translation of the Holy Qur'an]. Tehran: Namak Publications. [In Persian]